

عنوان مقاله:

فناناپذیری اگزیستنز در فلسفه یاسپرس با تاکید بر مرگ اندیشی او

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 18، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

محمود درستی - دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

اکبر رهنما - دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

محسن فرمهینی فراهانی - دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هسته اصلی تفکر فلسفی یاسپرس وجود انسان و به ویژه اگزیستنز است. تمام عقاید فلسفی دیگر او به همین موضوع محوری مربوط می شود. مفهوم اگزیستنز یاسپرس بیانگر واقعیت غیرتجربی، غیرانضمامی فرد و شخصیت واقعی است که می تواند از زمان عینی فراتر رود. این مقاله تصور یاسپرس از مرگ را بررسی و با استفاده از روش تحقیق تحلیل مفهومی از نوع بسط مفهوم به روشن سازی مفهوم وی در مورد مرگ و فناناپذیری اگزیستنز پرداخته و سعی کرده است درک بهتری از وجود انسان در این جهان را ارائه دهد. از دیدگاه یاسپرس، واقعیت مرگ بیولوژیکی مربوط به دازاین است، درحالی که موقعیت مرزی مرگ، که ممکن است به تحقق خود واقعی فرد منجر شود، متعلق به اگزیستنز است. او می کوشد نشان دهد که اگرچه انسان موجودی فانی است، جنبه استعلا نیز دارد و به موجود فیزیکی صرف در جهان قابل تقلیل نیست. یاسپرس در تلاش برای تبیین جنبه استعلایی انسان، اگزیستنز را فناناپذیر و نامحدود می داند. فناناپذیری اگزیستنز از نظر یاسپرس به معنای زندگی پس از مرگ در قلمرو دیگری نیست، بلکه فرد می تواند در زمان زنده بودن احساس فناناپذیری را در لحظه ای وجودی تجربه کند. طبق دیدگاه او، این لحظه جاودانه بی زمان است، به این معنا که روابط گذشته، حال و آینده، همان طور که ما آنها را درک می کنیم، در آن اعمال نمی شوند، بلکه همزمان در آن لحظه بدون زمان درک می شوند.

کلمات کلیدی:

اگزیستنز، جاودان، فناناپذیری، مرگ، یاسپرس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526117>

